

کلیات قراردادهای فوتبال و مقایسه با عقود مشابه

سید محمد جواد سربها

دانش آموخته حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ

نام نویسنده مسئول:

سید محمد جواد سربها

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۶

چکیده

قراردادهای فوتبال در عرصه داخلی دچار خلاها و کمبودهای فراوانی است. این نقص، در قراردادهای بین‌المللی نیز ملاحظه می‌شود. مقررات فوتبال را باید متفاوت از قوانین عام دانست. این رشته ورزشی زیر نظر فدراسیون جهانی فوتبال اداره می‌شود و امور مربوط به آن از طریق این نهاد صورت می‌پذیرد. کنفدراسیون‌ها و فدراسیون کشورهای عضو نیز تحت نظارت و هدایت فیفا فعالیت می‌کنند و بنا بر اساس‌نامه فدراسیون جهانی فوتبال باید از مقررات آن، تبعیت نمایند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا با بهره‌جستن از کتب و منابع کتاب‌خانه‌های معتبر با روش فیش برداری از این منابع و همچنین استفاده از مقالات، پایان‌نامه‌ها، پژوهش‌ها و طرح‌های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش به بررسی مفاهیم، عناصر و اوصاف قراردادهای فوتبال و مقایسه آن با قراردادهای مشابه بپردازد. نتایج نشان داد که میان قرارداد کار و قرارداد ورزشی فوتبال از حیث تعریف، ارکان و معیار و قوانین کار مشابهت‌هایی وجود دارد و هر دو از زمره عقود الحاقی و مستمر می‌باشد؛ اما قراردادهای ورزشی فوتبال در فدراسیون‌ها تدوین و تصویب می‌شود و برخلاف قراردادکاری که عقد رضایی است، قرارداد ورزش فوتبال عقدی تشریفاتی است و در قرارداد ورزشی فوتبال کارفرما شخص حقوقی است و هدف از قراردادهای ورزشی، تصویب قوانین و مقررات ورزشی می‌باشد. همچنین بین قرارداد اجاره انسان و قرارداد ورزشی فوتبال از حیث ارکان و عقود مستمر و موقت شباهت‌هایی دیده می‌شود، اما از حیث تشریفاتی بودن، قرارداد اجاره انسان در این زمره قرار نمی‌گیرد و مقررات حاکم بر قرارداد ورزشی فوتبال بر خلاف قرارداد اجاره انسان، آمره بوده و طرفین نمی‌توانند از آن عدول کنند و بین احکام این دو قراردادها نیز تفاوت‌های زیادی وجود دارد. علی‌رغم شباهت‌های متعددی که میان قراردادهای فوتبال با عقود معین ذکر شده، اما در واقع قراردادهای فوتبال عقدی منحصر به فرد به حساب آمده که ویژگی‌های اختصاصی خود را دارا هستند.

واژگان کلیدی: قرارداد فوتبال، فدراسیون فوتبال، قراردادکاری.

مقدمه

امروزه، ورزش یکی از ارزشمندترین فعالیت های اجتماعی در میان جوامع مختلف محسوب می شود. ورزش پیوندی ناگسستنی با سایر حوزه ها از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ، رسانه و غیره دارد [1]. در این بین، پاره ای از ورزش ها همانند فوتبال، وارد مرحله جدیدی از ساختار خود شده و در قامت یک ورزش جهانی معرفی شده است. ارتباط فوتبال با عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی به قدری گسترده است که به شکل گیری حوزه های پژوهشی متعددی منجر شده است [2]. به عنوان مثال ابعاد سیاسی ورزش فوتبال تا آن حد اهمیت دارد که برای بسیاری از ملت ها جایگاه فوتبال حتی بالاتر از دولت و سایر ارکان کشور است و آن ها به جهت همراهی و همدلی با تیم ملی فوتبال کشورشان، خود را به مثابه یک ملت کامل قلمداد می کنند [3]. فوتبال و اقتصاد نیز از پیوندی ناگسستنی برخوردارند و رابطه ای دو طرفه دارند. در این میان، موضوعات حقوقی گوناگونی که در حاشیه فوتبال ایجاد می شود، اهمیت دو چندان پیدا می کند و به صورت روزافزون نیز گسترش می یابد [4].

یکی از مباحث مهم در حوزه فوتبال، قراردادهایی است که در سایه آن مواردی هم چون طرفین قرارداد، مبلغ قرارداد، مدت قرارداد، شروط ضمن آن و الزامات قراردادی به طور شفاف بیان می شود. احترام به قرارداد، مورد پذیرش همه اقشار است و این امر اختصاص به حوزه خاصی ندارد. در ورزش و به طور معین در فوتبال نیز این احترام به وفور در قوانین و مقررات دیده می شود. آیین نامه فدراسیون فوتبال ایران در ماده ۱۴ اشعار می دارد: "قرارداد بین بازیکن حرفه ای و یک باشگاه تنها پس از اتمام مدت قرارداد و یا توافق دو جانبه، پایان می یابد." این ماده مبین ارزش و جایگاه قراردادهای منعقد شده میان باشگاه های فوتبال و بازیکنان است که مطابق این ماده، طرفین قرارداد ملزم به انجام تعهدهای خویش هستند.

یکی از موارد برجسته قراردادهای دنیای فوتبال، الزامات آن است و از آن جایی که یک قرارداد فوتبال می تواند بخش های گوناگونی از یک جامعه نظیر میلیون ها هوادار، رسانه ها، فعالان عرصه تجارت در زمینه تبلیغات، مسئولین ورزشی و سایرین را تحت تاثیر قرار دهد، لذا مبحث الزامات قراردادهای بین باشگاه های فوتبال و بازیکنان اهمیت به سزایی پیدا می کند.

متأسفانه در کشور ایران، با انگیزه فرار از پرداخت مالیات، عدم نظارت دقیق از سوی مراجع ذی صلاح یا به علل دیگر، اغلب قراردادهای باشگاه های فوتبال و بازیکنان به شکل محرمانه و مخفیانه منعقد شده و شرایط تعهد شده و مبلغ مورد توافق جهت انتقال را در قراردادی علی حده به رشته تحریر در می آورند و در فرم های از پیش طراحی شده توسط فدراسیون فوتبال، صرفاً به بیان موارد کلی اقدام نموده و از اعلان شرایط و مبالغ حقیقی امتناع می نمایند [5]. بر این اساس یکی از ضرورت های پژوهش این است که قراردادهای منعقد شده در فوتبال ایران شفاف نیست و نمی توان به طور دقیق و واقعی به الزامات قراردادی دست پیدا کرد که مقایسه قراردادها و الزامات آن در سطوح ملی و بین المللی می تواند به این نقیصه کمک نماید.

از سوی دیگر قراردادهای فوتبال، در دنیای کنونی، به ویژه در کشورهای توسعه یافته، از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ زیرا امروزه، فوتبال، قشر انبوهی از جوامع جهانی را در بر گرفته و بر حوزه های گوناگونی نظیر سیاست، اقتصاد و غیره تاثیر به سزایی گذاشته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بوده که نگارنده بر آن است تا با بهره جستن از کتب و منابع کتابخانه های معتبر با روش فیش برداری از این منابع و هم چنین استفاده از مقالات، پایان نامه ها، پژوهش ها و طرح های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش به بررسی مفاهیم، عناصر و اوصاف قراردادهای فوتبال و مقایسه آن با قراردادهای مشابه بپردازد.

مبانی نظری پژوهش

مفاهیم و عناصر قراردادهای فوتبال

باشگاه

با نگاهی به انواع قراردادهای ورزشی مشخص می گردد باشگاه ها یکی از طرفین ثابت و اصلی این قراردادها می باشند، به عنوان مثال: در قرارداد ساخت اماکن و وسایل ورزشی، خرید وسایل و حمل و نقل آن ها، پخش تلویزیونی و رادیویی مسابقات، استخدام کادر فنی و اداری باشگاه و قرارداد ورزشکاران و غیره یکی از طرفین ثابت، باشگاه است، به همین دلیل می توان ادعا کرد که باشگاه ها یکی از ارکان سازنده ورزش حرفه ای هستند که از یک طرف، به عنوان کارفرما با بازیکنان قرارداد منعقد می -

کنند و فعالیت‌های ورزشی آن‌ها را کنترل می‌کنند و از طرف دیگر با انعقاد قراردادهای ورزشی مختلف زمینه انجام مسابقات را فراهم می‌آورند.

امروزه غالباً باشگاه‌های ورزشی به صورت شرکت سهامی تاسیس و اداره می‌شوند و سهام آن‌ها نیز در بازار بورس ارائه می‌گردد. در ایران اگرچه باشگاه‌ها باید به صورت شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت برسند، اما لزوماً یک شرکت سهامی محسوب نمی‌شوند. با وجود این، باشگاه‌ها صرف نظر از شکلشان مشمول قانون تجارت می‌باشند. بند ۱۵ ماده ۹ آیین‌نامه فوق مقرر می‌دارد: «کلیه باشگاه‌ها از نظر ضوابط داخلی، تابع قانون تجارت هستند و کلیه باشگاه‌های لیگ برتر باید علاوه بر مجوز سازمان تربیت بدنی، در ثبت شرکت‌ها نیز ثبت شده و مدارک خود را به سازمان لیگ ارائه دهند». باشگاه‌ها در حقوق انگلیس در زمره شرکت‌های «محدود عمومی» (غیرتضامنی عمومی) محسوب می‌شوند.

این شرکت‌ها باید حداقل دارای دو شریک باشند و همواره باید کمترین میزان سرمایه سهام صادر شده را حفظ کنند. سهام‌داران این شرکت‌ها به راحتی سهام خود را در بازار بورس و یا هر مکان دیگری منتقل می‌کنند. تمامی شرکت‌های بزرگ صنعتی و تجاری شرکت‌های محدود عمومی هستند که سهامشان در فهرست بورس سهام و اوراق ذکر شده [6]. با نگاهی به برخی از متون حقوق انگلیس به نوعی از باشگاه‌های ورزشی مشخص می‌گردد که نه تنها شرکت تجاری نیستند، بلکه شخصیت حقوقی نیز ندارند و به اصطلاح «شرکت مدنی» نامیده می‌شوند. در خصوص این شرکت‌ها گفته شده: «آن‌ها متشکل از گروهی از مردم هستند که به هم ملحق شده‌اند تا منافع مشترکشان را دنبال نمایند.» [7]

البته باشگاه‌هایی که به شرکت‌های سهامی تبدیل شده‌اند و یا به بازار بورس کشورشان یا بازار بورس بین‌المللی راه پیدا کرده‌اند، در چهارچوب فعالیت خود می‌توانند تجارت‌هایی دیگر را نیز انجام دهند. یکی از متداول‌ترین راه‌های کسب درآمد و پوشش دهی هزینه‌ها توسط باشگاه‌ها یا کلوب‌های ورزشی، کسب حامی و اسپانسرهای مالی می‌باشد. باشگاه‌ها با جذب اسپانسر، موقعیت‌های تبلیغاتی به وجود آمده توسط خود را به شرکت‌ها و تاجران بزرگ ارائه می‌دهند تا در عوض منبعی برای پوشش هزینه‌های خود فراهم سازند.

در ایران شاید یکی از مهم‌ترین طرق کسب درآمد همین فروش بلیت‌ها است. امتیاز پخش دیدارها نیز در انحصار صدا و سیما است که البته به نظر نمی‌رسد که بابت این موضوع به باشگاه‌ها به طور مستقیم مبلغی پرداخت کند. این روش امروزه برای باشگاه‌های بزرگ به یکی از بهترین روش‌ها تبدیل شده است

نقش و سهم باشگاه‌های ورزشی به عنوان بنگاه‌های اقتصادی در ایجاد مشاغل مختلف، کاهش امور تصدی‌گری دولت، جذب سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌های مردمی و در نتیجه درآمدزایی در سطوح ملی، استانی، شهری و حتی محله‌ای در جهان بسیار مهم بوده و در کشورهای پیشرفته سهم به‌سزایی در درآمد ناخالص ملی دارند. باشگاه‌های ورزشی علاوه بر استعدادیابی و آموزش مهارت‌های ورزشی و توسعه ورزش قهرمانی و عمومی، سهم عمده‌ای نیز در عملی کردن ورزش داشته و می‌توانند باعث توسعه امر آموزشی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراجع تحقیقاتی شوند.

باشگاه فوتبال به مجموعه‌ای ورزشی گفته می‌شود که بر اساس مقررات و معیارهای سازمان تربیت بدنی اداره شده و در اداره ثبت شرکت‌ها نیز به ثبت رسیده و عضویت فدراسیون و سازمان لیگ حرفه‌ای فوتبال را نیز پذیرفته باشد [8].

بازیکن

در فوتبال، بازیکن فردی است که بر پایه قوانین فوتبال / فوتبال بازی می‌کند. در یک بازی فوتبال هر تیم ۱۱ بازیکن دارد که یکی از آن‌ها دروازه‌بان است و بقیه یا مدافع یا بازیکن میانه و یا مهاجم هستند [9]. یکی از طرفین قرارداد ورزشی بازیکنان می‌باشند. بازیکن شخصی است که همه وقت، توان و استعداد خود را در رابطه با تمرین و آموزش در آن رشته ورزشی می‌ذول می‌دارد و ورزش را به عنوان شغل اصلی خود بر می‌گزیند، به طوری که تمام وقت خود را صرف آن می‌کند. در ورزش حرفه‌ای مهارت‌ها و قدرت جسمی و فکری هر بازیکنی در نوع خود منحصر به فرد می‌باشد و باشگاه‌ها برای استفاده از توانایی‌های ورزشی بازیکنان آنان را به خدمت می‌گیرند و معیارهای ارائه شده که سازنده شخصیت ورزشی بازیکنان است، مهم‌ترین ملاک انتخاب بازیکن محسوب می‌شود. همین امر سبب می‌شود قرارداد ورزشی در زمره عقود قرار گیرد که شخصیت یک طرف در آن نقش

اساسی دارد و به تعبیری علت عمده عقد می‌باشد. بر همین اساس نیز قرارداد با قید مباشرت بازیکن منعقد می‌شود. برخی از حقوق دانان نیز در آثار خود اذعان کرده‌اند: قراردادهایی که ملاحظه‌ی شخصیت طرف عقد یا یکی از صفات او باعث و محرک اصلی طرف دیگر باشد، شخصیت طرف علت عمده عقد است [10].

فدراسیون

فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران که در این اساس‌نامه فدراسیون نامیده می‌شود، یک نهاد غیردولتی و دارای شخصیت حقوقی است که بر اساس مشی و اصول ورزشی تعیین شده به موجب منشور المپیک، با مراعات شئون اسلامی و منافع ملی و به عنوان بالاترین مرجع ذی‌صلاح در رشته‌های ورزشی فوتبال، فوتسال و فوتبال ساحلی تشکیل شده و در چارچوب این اساس‌نامه، با هماهنگی وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک و رعایت قوانین و مقررات مربوطه فعالیت می‌نماید. این فدراسیون برای مدت زمان نامحدودی تشکیل شده است. فدراسیون از سال ۱۹۴۸ عضو فیفا و از سال ۱۹۵۴ عضو کنفدراسیون فوتبال آسیا است [11].

ماده ۳ اساس‌نامه فدراسیون‌های آماتوری در ۲۲ بند وظایف فدراسیون را تشریح می‌کند. در بند ۱۲ «تشکیل کمیته‌های مختلف در فدراسیون و هیات ورزشی» و در بند ۱۷ تهیه و تدوین آیین‌نامه داخلی و فدراسیون و هم‌چنین در بند ۲۲ ماده فوق «سیاست‌گذاری، نظارت و ارزیابی بر عملکرد هیات‌های ورزشی» را از وظایف فدراسیون می‌شمارد و هم‌چنین در بند ۱۱ ماده ۷ تحت عنوان وظایف مجمع بیان می‌دارد: تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی، اداری، استخدامی، مالی و معاملاتی و سایر آیین‌نامه و مقررات مورد نیاز فدراسیون با رعایت قوانین و مقررات مربوط پس از تایید سازمان تربیت بدنی از وظایف مجمع فدراسیون می‌باشد؛ بنابراین بعد از تشکیل هر فدراسیون در هر رشته ورزشی خاص به توجه به اختیاراتی که اساس‌نامه فدراسیون‌های ورزشی آماتوری به آن‌ها تفویض کرده می‌توانند نسبت به تهیه، تدوین و تصویب مقررات مورد نیاز خود اقدام کنند.

فیفا

کنگره‌ی فیفا، بالاترین نهاد فیفا بوده و از نمایندگان فدراسیون‌های ملی کشورهای عضو فیفا تشکیل شده و نشست‌های این کنگره در شرایط معمولی به صورت سالیانه برگزار می‌شود. این کنگره با تصویب نمایندگان کشورهای عضو می‌تواند قوانین و مقررات فیفا را اصلاح نماید. این کنگره هم‌چنین، ریاست این نهاد بین‌المللی، دبیرکل فیفا و دیگر اعضای کمیته‌ی اجرایی فیفا را انتخاب می‌کند [12]. بیشتر اوقات فیفا نقش فعالی در کارکرد ورزش و توسعه و پیشرفت بازی‌ها در سراسر دنیا دارد. یکی از سیاست‌های منحصر به فرد فیفا تعلیق تیم‌ها و اعضای وابسته به آن‌ها از حضور در مسابقات بین‌المللی است وقتی که دولت-هایشان در عملکرد فدراسیون فوتبالشان دخالت می‌کند یا هنگامی که فدراسیون مربوطه وظایف خود را به درستی انجام نمی‌دهد. به غیر از سازمان جهانی فیفا، فیفا کنفدراسیون‌هایی در قاره‌ها و مناطق مختلف برای سرکشی بازی‌ها تشکیل داده‌است. لازم است ذکر شود که فدراسیون‌های کشورهای عضو فیفا هستند نه کنفدراسیون‌ها؛ کنفدراسیون‌ها به وسیله فیفا تشکیل می‌شوند. فدراسیون‌های کشورها باید هم عضو فیفا و هم عضو کنفدراسیونی باشند که کشورشان از نظر جغرافیایی در حوزه آن قرار گرفته تا اجازه شرکت در مسابقات فیفا را به دست آورند.

مقررات فوتبال

وضع مقررات فوتبال و تغییر آن‌ها تنها بر عهده فیفا نیست. این مقررات توسط هیات بین‌المللی فوتبال وضع می‌شود. فیفا در این هیات ۴ عضو دارد و ۴ عضو دیگر از اتحادیه‌های فوتبال انگلیس، اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی هستند (عضویت این اعضا به خاطر سهم منحصربه‌فرد این کشورها در خلق و پیشینه بازی‌های فوتبال است). تغییر در قوانین بازی‌ها با موافقت حداقل ۶ نماینده از ۸ نماینده صورت می‌گیرد. البته این قانون به تازگی لغو شده و فقط انگلیس حق رأی دارد. بیشتر اوقات فیفا نقش فعالی در کارکرد ورزش و توسعه و پیشرفت بازی‌ها در سراسر دنیا دارد [13].

قراردادهای مرتبط با قراردادهای فوتبال

قراردادهای مرتبط با قراردادهای فوتبال را در پنج گروه می‌توان دسته بندی کرد که در ادامه بیان شده است [14]

۱. قرارداد مربیان

رابطه کارفرما-کارگر بین یک تیم یا موسسه با مربی، مشابه رابطه معمول کارفرما-کارگر در دنیای تجارت است. قرارداد مربیان تا حدی مشابه قراردادهای استخدام است و در آن، ماهیت کار، طول مدت استخدام و حقوق و دستمزد مشخص شده است. با این حال، برخلاف قرارداد استاندارد ورزشکاران، قرارداد مربیان به ویژه افراد مطرح و صاحب نام دارای بندهای مستقل و منحصربه‌فردی است.

۲. قرارداد پزشکان

در فعالیت ورزشی فوتبال نیاز است که پزشک حضور داشته باشد. بروز آسیب دیدگی در رقابت‌های ورزشی اجتناب‌ناپذیر است، از این رو تشخیص و درمان سریع آن توسط پزشک واجد شرایط، اهمیت زیادی دارد. پزشکان استخدام شده، پیمانکاران مستقل هستند و در نتیجه، طرف استخدام کننده براساس اصول مسئولیت نیابتی، مسئولیتی را بر عهده نخواهد داشت. در واقع قرارداد پزشک، نوعی قرارداد استخدامی است که از ضوابط و شرایط خاصی برخوردار است.

۳. قرارداد کارمندان

رابطه کارگر-کارفرما در زمینه‌های مختلفی چون مسئولیت فردی، مالیات، بیمه، حقوق بازنشستگی و اخراج و برکناری با پیمانکار مستقل متفاوت است. از این رو، شناخت تفاوت میان این دو، اهمیت زیادی دارد. اگر اثبات شود که رابطه کارفرما-کارگر وجود داشته است، اقدام کارمندان موجب می‌شود طرف استخدام کننده مسئول هرگونه آسیب دیدگی و زیان شناخته شود. از این رو، بسیاری از استخدام کنندگان برای اطمینان از این که در چنین موقعیت‌هایی براساس اصول مسئولیت نیابتی مقصر شناخته نمی‌شود، به گونه‌ای قرارداد را تنظیم می‌کنند که کارمندان، پیمانکار مستقل شناخته شوند.

۴. قرارداد اماکن ورزشی

هنگامی که یک باشگاه ورزشی فوتبال آماتور یا یک تیم حرفه‌ای دارای زمین نباشد، لازم است برای اجاره آن، قراردادی منعقد کند. علاوه بر چگونگی استفاده از اماکن (زمان بندی بازی‌ها، زمین‌های تمرین، رختکن، پارکینگ و غیره) و نیز شیوه کاری اسپانسرهای مالی و تبلیغات باید به موارد دیگری چون میزان اجاره، شیوه پرداخت و خدمات ویژه‌ای که توسط مالک اماکن ارائه می‌شود توجه شود.

۵. قرارداد بازاریابی

در قراردادهای بازاریابی و اسپانسرشیپ نیز همانند سایر قراردادها؛ طرفین، محدودیت‌های زمانی، تعهدات طرفین و شروط آن‌ها ذکر می‌شود. قرارداد اسپانسرشیپ، خواه بین یک شرکت و بازیکن فوتبال باشد یا بین یک شرکت و رویدادی ورزشی، توافقی الزام‌آور است که هریک از طرفین ملزم به رعایت تعهدات خود در آن هستند. واضح است که باید زبان قرارداد در موارد مختلفی چون تعهدات هریک از طرفین در شرایط غیرقابل پیش‌بینی مانند اختلاف کاری، بلایای طبیعی، آسیب دیدگی بازیکن یا ورشکستگی اسپانسر، واضح و شفاف باشد.

اوصاف قراردادهای فوتبال

هر قراردادی که منعقد می‌شود دارای اوصافی است. اوصاف قراردادها با یکدیگر متفاوت هستند؛ بعضی عقود لازم هستند و بعضی دیگر جایز؛ بعضی از آن‌ها رضایی هستند، برخی عینی و عده‌ای تشریفاتی؛ بعضی معوض هستند و بعضی دیگر غیرمعوض و غیره. لذا همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هر عقدی می‌تواند وصفی از اوصاف فوق را داشته باشد.

۱. معوض بودن

قراردادهای معوض هستند یا غیر معوض. عقد معوض عقدی است که دارای دو مورد است که هریک از آن دو در عوض دیگری قرار دارد، مثل بیع. عقد غیرمعوض عقدی است که دارای یک مورد است و عوض ندارد، مثل هبه [15].

در عقد معوض ممکن است دو مال یا دو تعهد در مقابل یکدیگر قرار گیرند یا این که عوض و معوض یکی مال و دیگری تعهد باشد. از منظر این تقسیم بندی سه نوع قرارداد فوتبال پدید می آید:

۱. قراردادهای فوتبال بدون دریافت مزد: که طی آن یک بازیکن در یک باشگاه ثبت نام می کند و حق الزحمه ای نیز دریافت نمی کند. حتی در بسیاری از موارد بازیکن باید هزینه استفاده از امکانات باشگاه را نیز پرداخت نماید. در غالب موارد باشگاه مذکور جهت شرکت در مسابقات ایجاد نگردیده، بلکه کسب در آمد از طریق ارائه آموزش و امکانات به اعضا، هدف تشکیل آن است.

۲. قراردادهای فوتبال نیمه حرفه ای یا آماتور: در این گونه قراردادهای حق الزحمه به بازیکن پرداخت می شود، اما تنظیم این نوع قراردادهای تابع تشریفات و احکام ویژه ای نمی باشد و حقوق و تکالیف طرفین صرفا براساس توافق تعریف می گردد.

۳. قراردادهای فوتبال حرفه ای: در این نوع قراردادهای نیز به بازیکن دستمزد پرداخت می شود، اما ویژگی برجسته این نوع قراردادهای نسبت به قراردادهای دسته دوم، اولاً مبالغ سنگینی است که تحت عنوان حق الزحمه به بازیکن پرداخت می شود و دوم این که تنظیم آن باید با رعایت شرایط متعددی که توسط فدراسیون های داخلی و بین المللی تعیین گردیده است، صورت پذیرد. در واقع این نوع قرارداد لازم الاجرا بوده و طرفین حق توافق بر خلاف آن را نخواهند داشت.

حال سوالی که ممکن است مطرح شود آن است که آیا قرارداد بازیکن با باشگاه می تواند بدون حق الزحمه باشد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا یک بازیکن حرفه ای می تواند منافع خود را به باشگاه هبه کند؟ پاسخ به سوال فوق آن جا اهمیت پیدا می کند که پاره ای از آیین نامه ها، قرارداد مجانی را منع کرده اند. ماده ۲ آیین نامه و دستورالعمل نقل و انتقالات فدراسیون در این زمینه مقرر می دارد «کلیه قراردادهای ورزشی بدون مبلغ «صفر» از نظر این آیین نامه فاقد اعتبار بوده و مریبی یا بازیکن آزاد تلقی می شود...» ماده ۱ آیین نامه مذکور نیز باشگاه ها و بازیکنان را تنها مجاز به انعقاد قرارداد با شرایط مقرر در آیین نامه مذکور نموده است.

یک بازیکن علاوه بر انگیزه دریافت حق الزحمه، عضویت در یک تیم مشهور، کمک به یک باشگاه هم شهری، انگیزه های دیگری نیز دارد. چه بسا در یک شرایط خاص انگیزه اصلی او از انعقاد قرارداد چیزی غیر از دریافت حق الزحمه باشد. از سوی دیگر منع انعقاد قرارداد رایگان که در بعضی آیین نامه ها به آن اشاره شده است، خلاف اصل آزادی قراردادی است و به همین دلیل نیز باید در محدوده نص تفسیر گردد و تنها در رشته هایی که صراحتاً منع گردیده است، قرارداد رایگان را باطل دانست.

۲. مستمر بودن

عقد مستمر عقدی است که اجزای مورد عقد به تدریج و به طور مستمر در طول زمان معین ایجاد می شود، مانند عقد اجاره، بیمه و شرکت. برعکس، عقد آنی عقدی است که اثر آن اصولاً با انعقاد قرارداد یا در لحظه دلخواه دو طرف ایجاد می شود [16]. به عبارت دیگر در عقود فوری اثر عقد در لحظه ای که طرفین انتخاب کرده اند ایجاد می شود، ولی در عقود مستمر موضوع معامله به گونه ای است که باید در طول مدت معین انجام شود. معیار تمییز این دو گروه چگونگی ارتباطی است که موضوع عقد با زمان دارد [17].

باتوجه به تعاریف فوق به نظر می رسد قراردادهای فوتبال جز عقود مستمر هستند، زیرا مجموعه تعهدات بازیکن از جمله شرکت در تمرینات و مسابقات در بستر زمان اجرا می گردد؛ به عبارت دیگر موضوع معامله در قراردادهای فوتبال با توجه به اوصاف ذاتی آن باید در طول مدت قرارداد انجام پذیرد. بر این تقسیم بندی آثار متعددی مترتب می گردد، از جمله این که در عقود مستمر ممکن است اعلام بطلان قرارداد در گذشته تاثیر نداشته باشد. مثلاً چنانچه بازیکنی که قرارداد دو ساله با یک باشگاه منعقد کرده است پس از گذشت یک سال از مدت قرارداد بر اثر تصادف معلول گردد به گونه ای که توان انجام قرارداد در آینده را نداشته باشد، بطلان قرارداد ناظر به آینده است. وحدت ملاک ماده ۴۸۱ و ۴۹۶ قانون مدنی در خصوص عقد اجاره ذهن را به چنین نتیجه ای رهنمود می کند.

۳. قائم به شخص بودن

در زمانی که بین باشگاه و بازیکن قراردادی منعقد می شود، شخصیت بازیکن و مهارت های او باعث شده که باشگاه با او قرارداد منعقد کند. پس باید خود شخص او به تعهداتش عمل کند و تمام توان خود را در اختیار باشگاه بگذارد و گرنه باید

خسارت‌های وارده به باشگاه را جبران نماید [18]. بنابراین در قراردادهای فوتبال شخصیت بازیکن علت عمده عقد است. باشگاه با ملاحظه توانایی‌ها و مهارت‌های جسمی و حتی پست تخصصی بازیکن اقدام به انعقاد قرارداد می‌نماید. واضح است که بازیکنان همگی در یک سطح برابر از حیث توانایی قرار ندارند و بر این مبنا تعهدات بازیکن قائم به شخص اوست و تنها خود او می‌تواند تعهدات را اجرا کند نه شخص دیگری. تعهدات بازیکن به باشگاه به ارث هم نمی‌رسد.

طبیعت قراردادهای فوتبال ایجاب می‌کند که تعهدات بازیکن قائم به شخص بازیکن باشد؛ زیرا آثار ویژه ای بر این گونه قراردادها حاکم است. مثلا ماده ۲۰۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.» فوت بازیکن، بیماری‌های صعب‌العلاج، کوری و سایر مواردی که انجام قرارداد را به وسیله بازیکن غیرممکن می‌سازد نیز موجب انفساخ قرارداد می‌شود. چنانچه شرطی نیز در قراردادهای ورزشی گنجانده شده باشد، مثلا اگر در یک قرارداد شرط شود که بازیکن باید در دو جلسه تمرین نماید، در صورت تخلف از شرایط باید بازیکن را الزام نمود و در صورتی که الزام بازیکن ممکن نباشد، می‌توان قرارداد را فسخ کرد؛ زیرا انجام شرط به وسیله شخص متعهد یعنی بازیکن اهمیت دارد.

۴. عهدهی بودن

عقد عهدهی آن است که تعهدی بر گردن یک طرف قرارداد و حقی دینی برای طرف دیگر به وجود می‌آورد [19]. برخی معتقدند که «تعهد وضعیت حقوقی است که به موجب آن شخص معینی، با نقل حق عینی یا انجام عملی ارتباط می‌یابد» [20]. برخی دیگر گفته‌اند: «تعهد وضعیت حقوقی است که طبق آن شخص باید عملی را که دارای ارزش مالی است، انجام دهد یا ترک کند.» [21] و بالاخره گروهی تعهد را رابطه حقوقی می‌دانند که به موجب آن شخص می‌تواند از دیگری انجام امری را بخواهد [10]. در مقابل هر تعهد، لاجرم حقی وجود دارد. بر پایه این حق، متعهدله یا صاحب حق می‌تواند انجام کار یا تملیک مالی را از متعهد درخواست نماید [22]. پس حق مطالبه نیز یکی از اوصاف اصلی هر تعهد است. این حق چندان با ماهیت تعهد ملازمه و ارتباط دارد که برخی آن را در تعریف تعهد گنجانده‌اند [23]. اگر بازیکن قراردادی با باشگاه منعقد کند که برای باشگاه بازی کند، این عقد عهدهی است. عقد عهدهی در مقابل عقد تملیکی قرار دارد. عقد تملیکی قراردادی است که به موجب آن مالی از ملکیت شخص خارج و به ملکیت دیگری وارد می‌شود [24]. این تقسیم بندی به اعتبار آثار عقد انجام می‌شود. در نتیجه عقدی را که نتیجه مستقیم آن انتقال ملکیت یا حق عینی جزئی تر است تملیکی نام دارد.

۵. لازم بودن

قرارداد ورزشی عقدی لازم است. اولاً هدف طرفین از انعقاد قرارداد پابندی آن‌ها به قرارداد است، یعنی قصد ایجاد حق و تعهد است و نه صرفاً پیدایش نوعی اذن و اباحه [25]؛ ثانیاً از آیین‌نامه و مقررات فدراسیون‌ها لزوم قراردادهای قابل استنباط است. مثلا ماده ۲۲ قوانین نقل و انتقالات و تعیین وضعیت بازیکنان مقرر می‌دارد: «طرفین باید به قراردادهای فی مابین احترام بگذارند و یک قرارداد وقتی خاتمه می‌یابد که مدت اعتبار آن منقضی شده باشد و یا با توافق طرفین و یا بنا به دلیل موجه فسخ شده باشد»؛ و همچنین ماده ۲۴ آیین‌نامه فوق مقرر می‌دارد: «یک قرارداد به هیچ وجه قابل فسخ به صورت یک‌طرفه در حین فصل نمی‌باشد». بحث لزوم توافق جهت انحلال قرارداد و اقاله قرارداد ورزشی به معنی لازم بودن آن است و گرنه قرارداد جایز که در هر زمانی بدون هیچ دلیلی قابل فسخ است.

در مواردی ممکن است در آیین‌نامه‌های موجود جایز بودن قراردادهای ورزشی به ذهن متبادر شود. مثل ماده ۴۱ آیین‌نامه مذکور که مقرر می‌دارد: «هر باشگاهی که از عضویت در لیگ برتر یا دسته اول انصراف دهد (نه سقوط کرده باشد) کلیه بازیکنان تحت قراردادهای آزاد اعلام می‌شوند تا به باشگاه‌های دیگر منتقل شوند»؛ ولی باید به این ایراد چنین پاسخ داد که انحلال به معنی جایز بودن قرارداد نیست؛ بلکه علت انحلال وجود واقعیت باشگاه است. وجود قرارداد با قید مباشرت باشگاه است و انحلال باشگاه، انحلال قرارداد را به دنبال دارد. ثالثاً برخی از قراردادهای فدراسیون صرفاً به لزوم قرارداد ورزشی اشاره کرده‌اند. به عنوان مثال ماده ۱ قرارداد باشگاه و بازیکنان زیر ۱۸ سال، ماده ۱۰ قانون مدنی. رابعا اصل بر لازم بودن قراردادهای است؛ مگر در مواردی که یقین بر جواز آن‌ها باشد و در مورد قرارداد ورزشی که عقدی تقریباً ناشناخته است اصل بر لزوم است. خامسا

اعتقاد بر جواز قرارداد ورزشی بی‌نظمی و فساد را به دنبال خواهد داشت و چون هدف از انعقاد قرارداد ورزشی برقراری نظم و انضباط در رابطه مابین باشگاه و ورزشکار است.

۶. جمعی بودن

مواد ۱۴۰ تا ۱۴۲ قانون کار به موضوع پیمان‌های دسته جمعی مربوط است. زمانی که ما اعتقاد بر این است که حقوق کار باید به صورت حقوق حمایتی اجرا شود، در قوانین آمره باید پیش‌بینی شود، بنابراین تمامی حداقل‌های ما باید در قوانین حقوقی ما پیش‌بینی شده باشد؛ با این حال قانون کار فعلی مواردی را در خود جای داده‌است که به نظر می‌رسد کامل نیست، در مواد مذکور شرایط این پیمان‌ها در آن پیش‌بینی شده‌است.

یکی از شرایط لازم برای انعقاد قراردادهای دسته جمعی، وجود کار و اشتغال است. تا زمانی که کار و تولید وجود نداشته باشد، طبیعتاً قراردادهای دسته جمعی نیز وجود ندارد. جدای از امر تولید و کار، واگذاری خدمات به جریان‌های غیر مرتبط (شرکت‌های پیمانکاری و به خصوص شرکت‌های پیمانکار تأمین نیروی انسانی) نیز علت مهمی که شرایط کار را سخت‌تر کرده‌است. مسأله دیگر عدم اجرای درست قوانین است، اگرچه ما ایرادهای مهمی بر قوانین داریم ولی مهم‌تر از آن عدم اجرای قوانین موجود است.

۷. الحاقی بودن

ماده ۲۰۶ قانون مدنی می‌گوید: اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند، مکروه محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود [26]. قرارداد کار از حیث شکل، شبیه قراردادهای الحاقی است؛ زیرا در قرارداد کار طرحی غالباً از پیش تعیین شده توسط کارفرما ارائه می‌شود و کارگر ناگزیر است یا آن را به همان صورتی که هست عیناً و بی‌کم و کاست و بدون چانه زنی بپذیرد و یا از امضا قرارداد تماماً خودداری کند. معمولاً عقود الحاقی زمانی منعقد می‌شوند که یک طرف آن‌ها کالا یا حق انحصاری یا جایگاه ویژه در قرارداد داشته باشد که در مورد کارفرما به لحاظ برخورداری از موقعیت اقتصادی و اجتماعی نسبت به کارگر این امر صادق است [27].

۸. تشریفاتی بودن

عقد تشریفاتی با تشریفات مخصوص واقع می‌شود و صرف توافق طرفین برای وقوع آن کافی نیست؛ به عبارت دیگر در عقود رضایی آن چه اهمیت دارد، چگونگی وقوع آن‌ها است نه چگونگی شکل و صورتشان، اما بر عکس در عقود تشریفاتی توافق دو اراده در صورتی اعتبار قانونی دارد که به شکل مخصوصی و با تشریفات معینی بیان شود. مثلاً فروش اموال دولتی که حتماً باید از طریق مزایده و خرید آن‌ها از طریق مناقصه انجام گیرد [28]. البته این ترتیبات و تشریفات خاص لزوماً به معنی تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی نیست؛ بلکه ممکن است با لفظ یا واژه‌های خاص همراه باشد. ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات و نظامات در عقود تشریفاتی بطلان عقد خواهد بود، زیرا رعایت تشریفات مطلوب قانون‌گذار بوده و از قواعد آمره می‌باشد و نقض قواعد آمره مشروعیت عقد موصوف را از بین می‌برد. بین حقوق دانان در خصوص وجود یا فقدان عقد تشریفاتی در نظام حقوقی ایران اختلاف عقیده وجود دارد. برخی از آن‌ها معتقدند [18] که قرارداد خرید و فروش املاک ثبت شده از جمله عقود تشریفاتی است.

با توجه به مقررات فدراسیون‌ها باید گفت قرارداد ورزشی عقدی تشریفاتی است، زیرا طبق ماده ۲۰ آیین‌نامه نقل و انتقالات بازیکنان در قراردادهایی که بین باشگاه و بازیکن یا باشگاه و کادر فنی و پزشکی و تدارکاتی منعقد می‌شود، باید اصول زیر مراعات شود که در ۱۸ بند ذکر شده است که به چند مورد از آن اشاره می‌شود:

۱- بعد از توافق نهایی بین باشگاه و بازیکن و وکلای یا کارگزاران طرفین و کسب اطمینان از سلامت جسمانی بازیکن، باید متن قرارداد در سر برگ رسمی که دارای لوگو رسمی باشگاه است تنظیم شود.

۲- مشخصات کامل طرفین با ذکر شماره ثبت باشگاه و نشانی و شماره تلفن باشگاه و مشخصات شخص حقوقی که از سوی باشگاه مامور انعقاد قرارداد است و همین‌طور مشخصات سجلی بازیکن از جمله کد ملی و شماره پاسپورت و نشانی و شماره تلفن و ذکر نام کارگزار و قید نشانی طرفین در قرارداد الزامی است.

۳- قید تاریخ اعتبار قرارداد شامل شروع و پایان مدت قرارداد با رعایت محدودیت‌های درج شده در آیین‌نامه است.

۴- قید مبلغ ناخالص قرارداد به واحد ریال و توافق بر سر نحوه پرداخت (هفتگی یا ماهیانه یا درصدی) با تفکیک اقساط و تأکید بر وظیفه بازیکن به پرداخت مالیات و کسورات قانونی متعلقه به مراجع قانونی الزامی است.

۵- قید این که محل حل اختلاف احتمالی در قرارداد فی‌مابین، فدراسیون فوتبال یا سازمان لیگ فوتبال خواهد بود.

۶- ممه‌ور نمودن به مهر باشگاه و امضای مدیر عامل و اثر انگشت و امضای طرف قرارداد یا بازیکن و امضای کارگزار در پایین تک تک برگ‌های قرارداد و امضای و تایید مواردی که دارای خط خوردگی یا لاک گرفتگی احتمالی است.

۷- علاوه بر قرارداد اولیه هرگونه توافق‌نامه دیگر با الحاقیه یا متمم قرارداد که طرفین در مورد آن به توافق برسند و مکتوب می‌شود، برای فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ و شورای حل اختلاف دارای احترام و برای بررسی‌های قضایی درون فدراسیون به عنوان جزئی از قرارداد قابل استناد است.

هرگاه طرفین قرارداد بر سر شرایط مندرج در قرارداد توافق نمایند و یکی از طرفین یا هر دو طرف، نسبت به موارد مندرج در قرارداد تخطی داشته باشند، موضوع قابل ارجاع به کمیته انضباطی بوده و کمیته مزبور نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم می‌نماید. باید توجه داشت که این دسته تخلفاتی که صورت می‌گیرد در صلاحیت دادگاه نیست و طبق بند ۱ ماده ۱۶۶ اساس‌نامه فدراسیون فوتبال ایران: «فدراسیون‌ها، اعضای آن، بازیکنان، مربیان، آژانس‌ها نباید منازعات مربوط به امور ورزشی خود را به مراجع قضایی ارجاع دهند؛ مگر در مواردی که در اساس‌نامه و مقررات فیفا اشاره به آن موضوع شده»؛ بنابراین دادگاه‌ها نسبت به مسائل مرتبط با امور ورزشی خود را صالح نمی‌دانند و این امور باید در ارکان قضایی فدراسیون فوتبال که شامل: کمیته انضباطی، کمیته استیناف و کمیته اخلاق است، مورد رسیدگی قرار گیرد.

مقایسه قراردادهای فوتبال با قراردادهای مشابه

۱. قرارداد کار

یکی از قراردادهایی که به ظاهر با قراردادهای فوتبال مشابهت‌های فراوانی دارد، قرارداد کار است. در ابتدا نقاط اشتراک دو قرارداد، سپس نقاط افتراق و در انتها نتیجه مقایسه بیان می‌شود.

نقاط اشتراک

۱- از جهت تعریف: در تعریف حقوق کار گفته شد: «حقوق کار بر همه روابط ناشی از انجام کار برای دیگری حاکم است؛ مشروط بر این که اجرای کار با تبعیت یک طرف نسبت به طرف دیگر همراه باشد». با توجه به آن چه در خصوص موضوع قرارداد ورزشی گفته شد؛ این تعریف شامل قرارداد ورزشی نیز می‌شود، زیرا، بازیکن برای دیگری کار می‌کند و از باشگاه در راستای اجرای تعهداتش تبعیت حقوقی دارد [29].

۲- از جهت ارکان: قرارداد ورزشی از جهت ارکان به ویژه موضوع قرارداد شباهت زیادی به قرارداد کار دارد. موضوع قرارداد ورزشی فوتبال عبارت است از: اعمال مهارت، تکنیک و قوای جسمی و فکری در مسابقات و تمرینات و در یک کلام در اختصاص نیروی جسمی و فکری به باشگاه؛ موضوع قرارداد کار نیز چیزی جز این نیست [30].

۳- از حیث معیار تشخیص: معیار تشخیص قرارداد کار از قرارداد اجاره اشخاص «تبعیت حقوقی» کارگر از کارفرما می‌باشد. این معیار در مورد بازیکن نیز وجود دارد؛ به این نحو که، بازیکن در تمامی مراحل اعم از تمرین، ساعات تمرین، مسابقات، تعطیلات، مرخصی‌ها و حتی تغذیه و غیره تابع نظر و مقررات باشگاه می‌باشد. این تبعیت تا حدی است که؛ بازیکن در نحوه اعمال مهارت، تکنیک و قوای جسمی و فکری‌اش نیز تابع نظر باشگاه می‌باشد [29].

۴- بسیاری از آثار قرارداد ورزشی فوتبال تنها براساس قوانین کار و تامین اجتماعی قابل توجیه است؛ مثلاً: «باشگاه موظف است بازیکن را در برابر فوت، سوانح، صدمات، نقص عضو و هرگونه بیماری ناشی از مسابقات یا تمرینات و یا هنگام مسافرت‌های داخل و خارج از کشور بیمه کنند.»^۱ و یا کلیه باشگاه‌های لیگ برتر موظف به بیمه درمانی کردن کامل بازیکنان و مربیان طرف قرارداد خود هستند. هم‌چنین باید گفت: باشگاه‌ها وظیفه دارند در ایام بیماری یا مصدومیت، دستمزد کارکنان را پرداخت کنند. مسلماً چنین تعهداتی براساس قواعد اجاره اشخاص توجیه پذیر نیست، بلکه باید آن‌ها را برپایه مقررات کار و تامین اجتماعی

^۱ بند ۴ ماده ۱۹ آیین‌نامه نقل و انتقالات فدراسیون فوتبال ایران.

استوار ساخت. هرچند نباید از نظر دور داشت موارد فوق همه آن چیزی نیست که قانون تامین اجتماعی پیش بینی کرده است؛ مثلاً: ماده ۳ این قانون تدابیری چون: بیمه حوادث و بیماری‌ها، بارداری، غرامت دستمزد، از کارافتادگی، بازنشستگی، مرگ و مقرری بیمه بیکاری را نیز اندیشیده است؛ که جز برخی از آن‌ها در ورزش حرفه ای ایران راه نیافته است [31].

۵. هم قرارداد ورزشی فوتبال و هم قرارداد کار در زمره عقود الحاقی و عقود مستمر هستند.

نقاط افتراق

۱- از جهت مقررات حاکم: قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد کار عمدتاً قوانین عادی هستند که به وسیله قوه مقننه وضع می شوند؛ از جمله این قوانین می توان به قانون کار ۱۳۶۹؛ به عنوان مهم ترین منبع حقوق کار در ایران نام برد، اما مقررات حاکم بر قراردادهای ورزشی غالباً آیین نامه هایی است که در فدراسیون های ورزشی فوتبال تدوین شده و به تصویب می رسد.

۲- قرارداد کار عقدی رضایی است، در صورتی که، قرارداد ورزشی فوتبال، عقدی تشریفاتی است.

۳- کارفرما در قرارداد کار، اعم از شخص حقوقی و شخص حقیقی، اما در قرارداد ورزشی فوتبال کارفرما همیشه شخص حقوقی است.

۴- بسیاری از منابعی که برای حقوق کار وجود دارد در مورد قرارداد ورزشی فوتبال موضوعیت پیدا نمی کند.

۵- هدف عمده مقنن از تصویب قوانین کار حمایت از طبقه کارگر در مقابل کارفرمایان بوده است، در حالی که هدف از تصویب قوانین و مقررات ورزشی، اعم از آیین نامه های نقل و انتقالات و انضباطی، برقراری نظم و انضباط بین باشگاه ها و بازیکنان می باشد. بنابراین، به سختی می توان حمایتی بودن این مقررات را پذیرفت.

هر چند برخی از مواد آیین نامه ها به بیان وظایف متقابل باشگاه ها فوتبال و بازیکنان اختصاص یافته و حقوقی چند به نفع بازیکنان مقرر کرده است، اما بسیاری از ابزارهای حمایتی رایج در قانون کار اصولاً در این مقررات پیش بینی نشده است؛ مثل حداقل دستمزد، حداکثر ساعات کار، حقوق بازیکنان هنگام مسافرت، بازنشستگی، حق اعتصاب، از کارافتادگی و مصدومیت [32].

۲. قرارداد اجاره اشخاص (انسان)

یکی دیگر از قراردادهایی که شباهت زیادی با قراردادهای فوتبال دارد، قرارداد اجاره اشخاص (انسان) است. در این بند نیز ابتدا نقاط اشتراک این دو قرارداد ذکر می شود. در قسمت دوم نیز نقاط افتراق این دو تبیین می گردد. در آخر هم حاصل مقایسه بیان می شود.

نقاط اشتراک

۱- از حیث ارکان: ارکان قرارداد ورزشی فوتبال و قرارداد اجاره اشخاص، عبارتند از اینکه طرفین قرارداد، که در قرارداد ورزشی باشگاه و بازیکن و در قرارداد اجاره اشخاص مستاجر و اجیر نامیده می شوند و موضوع قرارداد، که در قرارداد ورزشی فوتبال عبارت است از به کارگیری مهارت، تکنیک و قدرت جسمی و فکری، بازیکن در تمرینات و مسابقات در برابر پرداخت دستمزد و در قرارداد اجاره اشخاص عبارت است از انجام عمل معین یا بهره مندی از منافع یا منفعت معین اجیر و پرداخت دستمزد.

۲- قرارداد ورزشی فوتبال و قرارداد اجاره اشخاص از جمله عقود مستمر و موقت هستند [33].

نقاط افتراق

۱- قرارداد ورزشی فوتبال عقدی تشریفاتی است، اما عقد اجاره انسان عقد رضایی می باشد.

۲- از حیث قوانین و مقررات حاکم: غالب مقررات حاکم بر قرارداد ورزشی فوتبال، آیین نامه های مصوب فدراسیون های ورزشی فوتبال هستند، در حالی که، قوانین حاکم بر عقد اجاره انسان قوانین عادی می باشند.

۳- اکثر مقررات حاکم بر قرارداد ورزشی فوتبال آمره بوده و طرفین نمی توانند از آن ها عدول کنند؛ اما مقررات حاکم بر اجاره انسان تخییری بوده و طرفین می توانند برخلاف آن ها با هم توافق کنند.

۴- بین برخی از احکام این دو قرارداد تفاوت هایی وجود دارد؛ مثلاً: به تجویز ماده ۵۱۵ قانون مدنی، چنان چه، اجیر بدون تعیین انتهای مدت استخدام شده باشد بعد از اتمام مدت طرفین می توانند به همکاری باهم ادامه داده و اجیر نظر به

مراضات حاصله، اجرت دریافت کند، در حالی که، در قرارداد فوتبال با اتمام مدت رابطه قراردادی طرفین قطع شده و باشگاه حق به کارگیری بازیکن را، مگر با انعقاد قرارداد جدید ندارد. در یک مثال دیگر، می توان گفت: اصولاً، در اجاره انسان، مستاجر تکلیفی به پرداخت هزینه درمان اجیر ندارد، درحالی که، در قرارداد ورزشی فوتبال؛ باشگاه موظف است هزینه معالجه بازیکن را بپردازد. در بیان دیگر از این تفاوتها باید گفت: در اجاره انسان چنانچه، اجیر به علتی؛ مانند بیماری از ایفای تعهد، به طور موقت ناتوان شود، مستاجر الزامی به پرداخت اجرت ندارد، ولی در قرارداد ورزشی فوتبال، ناتوانی موقت بازیکن، باشگاه را معاف از پرداخت دستمزد نمی کند [34].

نتیجه گیری

هدف از این پژوهش بررسی مفاهیم، عناصر و اوصاف قراردادهای فوتبال و مقایسه آن با قراردادهای مشابه می باشد. یکی از معضلات حقوقی در حوزه فوتبال، انعقاد قراردادهای مغایر است؛ به عبارت دیگر ممکن است یک باشگاه مبادرت به انعقاد قرارداد داخلی با شروط مندرج در ذیل آن در دفتر باشگاه با بازیکن فوتبال نماید و متعاقب آن نیز، قرارداد دیگری با همان بازیکن در فرمهای رسمی فدراسیون فوتبال با شروطی متفاوت از قرارداد داخلی به امضا برساند که با بررسی مقررات مختلف حکم به رجحان قرارداد رسمی منعقد در فدراسیون فوتبال داده می شود. در این پژوهش ضمن بررسی مفاهیم و عناصر قراردادهای فوتبال، قراردادهای مرتبط با قراردادهای فوتبال، اوصاف قراردادهای فوتبال بررسی شده و در نهایت مقایسه قراردادهای فوتبال با قراردادهای مشابه انجام شد.

نتایج نشان داد که میان قرارداد کار و قرارداد ورزشی فوتبال از حیث تعریف، ارکان و معیار و قوانین کار مشابهتهایی وجود دارد و هر دو از زمره عقود الحاقی و مستمر می باشد؛ اما قراردادهای ورزشی فوتبال در فدراسیونها تدوین و تصویب می شود و برخلاف قراردادهای کاری که عقد رضایی است، قرارداد ورزش فوتبال عقدی تشریفاتی است و در قرارداد ورزشی فوتبال کارفرما شخص حقوقی است و هدف از قراردادهای ورزشی، تصویب قوانین و مقررات ورزشی می باشد.

بین قرارداد اجاره انسان و قرارداد ورزشی فوتبال از حیث ارکان و عقود مستمر و موقت شباهتهایی دیده می شود، اما از حیث تشریفاتی بودن، قرارداد اجاره انسان در این زمره قرار نمی گیرد و مقررات حاکم بر قرارداد ورزشی فوتبال بر خلاف قرارداد اجاره انسان، آمره بوده و طرفین نمی توانند از آن عدول کنند و بین احکام این دو قراردادها نیز تفاوتهای زیادی وجود دارد. در انتها باید بیان نمود، علی رغم شباهت های متعددی که میان قراردادهای فوتبال با عقود معین ذکر شده وجود دارد، اما در واقع قراردادهای فوتبال عقدی منحصر به فرد به حساب آمده که ویژگی های اختصاصی خود را دارا هستند.

منابع و مراجع

- [1] Giulianotti, Richard. "Sport Spectators and the Social Consequences of Commodification: Critical Perspectives from Scottish Football." *Journal of Sport and Social Issues*, vol. 29, no. 4, Nov. 2005, pp. 386-410, doi:10.1177/0193723505280530
- [۲] دوفرانس، ژاک، جامعه شناسی ورزش، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، انتشارات توتیا، چاپ اول، ۱۳۸۵، ص ۷۸.
- [3] Horne, John. "Understanding Sport and Body Culture in Japan." *Body & Society*, vol. 6, no. 2, June 2000, pp. 73-86, doi:10.1177/1357034X00006002004.
- [۴] صنعتی، حمید، وضعیت و آثار قرارداد فوتبال در حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، ۱۳۸۹، ص ۱.
- [۵] عباسی، رضا، بررسی قراردادهای نقل و انتقال بازیکنان حرفه ای فوتبال در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۹۴.
- [۶] الهی، علی رضا. بررسی عملکرد سازمان لیگ حرفه ای فوتبال جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با سازمان لیگ ژاپن، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص ۷۵.
- [۷] پدفیلد، کالین، حقوق انگلیس به زبان ساده، ترجمه صفر بیگ زاده، جلد اول، انتشارات حقوقدان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۴.
- [8] Smith, S. J, Football, its values, finances and reputation. Informepara la Football Association. report to the football Association by Sir John Smith. Retrieved from: <https://www.amazon.co.uk/Football-its-values-finances-reputation/dp/B001OJQQ0Y,1997>.
- [۹] جلالی، مجید، آموزش فوتبال، انتشارات کتاب سبز، ۱۳۹۳، ص ۶۳.
- [۱۰] کاتوزیان، ناصر. دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی قرارداد و ایقاع، انتشارات سهامی انتشار، چاپ دهم، ۱۳۹۲. ص ۹۷.
- [۱۱] اسکندری، سیمین، امیر تاش، علی محمد، صفانیا، علی محمد، رابطه مؤلفه های ارزیابی عملکرد در کارایی فدراسیون های ورزشی، پژوهشهای کاربردی در مدیریت ورزشی، سال ششم، شماره (۴) ۲۴ پیاپی، بهار ۱۳۹۷، ص ۲۶-۱.
- [12] Moore, Cormac. "FIFA (Fédération Internationale de Football Association): the men, the myths and the money." 2017, p.143.
- [۱۳] حدیدی، وحید، هاشمی، مهدی، حجتی، علی، قوانین فوتبال، انتشارات آوای ظهور، ۱۳۹۳، ص ۶۷
- [۱۴] حسینی، احمد، ماهیت و آثار حقوقی قراردادهای میان ورزشکار و باشگاه ورزشی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه قم، ۱۳۸۷، ص ۷۱.
- [۱۵] شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد دوم، انتشارات مجد، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳.
- [۱۶] قاسم زاده، سید مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات نشرگستر، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۸، ص ۷۲.
- [۱۷] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۶۳.
- [۱۸] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، انتشارات سهامی انتشار، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۷۶.
- [۱۹] صفایی، سیدحسین، قواعد عمومی قراردادها، انتشارات میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۸، ص ۹۱.
- [۲۰] السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسيط فی شرح القانون المدني: البيع و المقايضة، جلد چهارم، انتشارات دار احيا التراث العربي (بيروت)، ص ۱۱۴.
- [۲۱] حکیم، عبدالمجید، الموجز فی شرح القانون المدني، ج ۱، انتشارات مطبعة العانی (عراق)، ۱۳۹۴ق، ص ۵.

- [۲۲] حسین زاده، جواد، قرارداد اختیار معامله، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۵-۱۳۶.
- [۲۳] صفایی، سید حسین، حقوق مدنی، انتشارات میزان، ۱۳۸۹، ص ۵.
- [۲۴] شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد دوم، انتشارات مجد، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴، ص ۲۶.
- [۲۵] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق، دایره المعارف عمومی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۴۹.
- [۲۶] کاظم پور، جعفر، حمایت از مضطر در معاملات اضطراری، مبانی و راهکارها، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۳.
- [۲۷] ره پیک، حسن، حقوق مدنی (حقوق قراردادها)، انتشارات خرسندی، چاپ نخست، ۱۳۸۵، ص ۶۳.
- [۲۸] دانشمندی، فاطمه، برزگر، آثار عدم رعایت تشریفات بر قراردادها در فقه و حقوق موضوعه، اولین همایش ملی وکالت، اخلاق، فقه و حقوق، ۱۳۹۳، ص ۱۸.
- [۲۹] رنجبری، ابوالفضل، حقوق کار، مبانی و قلمرو حقوق کار، انتشارات آیدین، ۱۳۹۷، ص ۴۲.
- [۳۰] فلاح، محمد رضا، تحلیل اصول حاکم بر قرارداد های منعقدہ بین باشگاه ها و ورزشکاران حرفه ای در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴، ص ۴۵.
- [۳۱] فلاح، محمد رضا، تحلیل اصول حاکم بر قرارداد های منعقدہ بین باشگاه ها و ورزشکاران حرفه ای در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شاهد، ۱۳۹۴، ص ۴۶.
- [۳۲] سرمدنهری، امیر، قانون کار، انتشارات سیمای دانش، ۱۳۹۴، ص ۶۴.
- [۳۳] کیخا، محسن، اجاره اشخاص، انتشارات گروه آموزشی مدرس، سنجش و دانش، ۱۳۹۷، ص ۶۴۵.
- [۳۴] قاسمی، دادود، بررسی مقایسه ای عقد اجاره اشخاص و قرارداد کار در حقوق ایران، غیر دولتی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی مؤسسه آموزش عالی راهبرد شما، ۱۳۹۷، ص ۵۶.